هو العلیم

مراتب روزه از دیدگاه مکتب عرفان

آیة اللَه حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

شرح حدیث عنوان بصری، جلسه 14

١.بیان ویژگی های روزه عوام مردم

٢.بیان ویژگی های روزه خواص

٣.بیان خصوصیات روزه خاص الخاص

٤.تاثیر سوء خیالات و تصورات ذهنی خلاف بر نفس و قلب سالک

٥.بالاترین مرتبه روزه، روزه اولیاء الهی میباشد

٦.همت سالک الهی باید بلند باشد و به کم قناعت نکند

٧.علامه طهرانی برای شاگردان خود به کمتر از مقام سلمان فارسی رضایت نمیدادند

٨.اهمیت خواندن نماز تراویح در شبهای ماه مبارک رمضان

٩.قرائت و تامل در مضامین دعای افتتاح و دعای ابو حمزه ثمالی

١٠.لزوم ختم حداقل یکدوره قرائت قران در ماه مبارک

١١.شقی کسی است که ماه رمضان بر او بگذرد و از رحمت خدا محروم باشد

مقاله پیش رو گزیده ایست از فرمایشات حضرت آیت اللَه حاج سید محمد محسن طهرانی در ارتباط با مراتب روزه در ماه مبارک رمضان و ویژگی های این ماه مبارک که درجلسه چهاردهم شرح حدیث عنوان بصری ایراد گردیده است

بسم اللَه الرحمن الرحیم

ماه مبارك رمضان ماهی است كه رحمت خداوند بر بندگانش و آن مغفرت و جنبه فیض عامّش بیش از سایر ماهها برای افراد است. و ماهی است كه از خصوصیات آن این است كه انسان در این ماه چه روزه باشد، صائم باشد یا نباشد، تغییر را در وضع و كیفیت خودش ملاحظه می‌كند. یعنی آن حكومت و غلبه قوای معنوی روزه بر كلیه افراد به نحوی است كه خواهی نخواهی انسان را متأثّر می‌كند، حالا چه برسد به اینكه خود انسان صائم باشد و از بهترین اقسام صوم هم دارا باشد.

## بیان ویژگی های روزه عوام مردم

چون می‌گویند روزه چند قسم است؛ یكی روزه عوام است، و آن روزه‌ای است كه در همین رساله‌های عملیه ذکر شده است، بگونه‌ای که شخص مُفطِرات را انجام ندهد، محرّمات را انجام ندهد تا روزه او روزه مقبولی باشد و در همین حدّ ظاهری است مثل اینکه غذا نخورد، آب نیاشامد، دُخان و دود غلیظ به حلق فرو نبرد، سر زیر آب نكند و امثال ذلك، خلاصه آن مفطراتی كه برای روزه می‌شمارند را انجام ندهد. این نوع روزه فقط یك نوع اسقاط تكلیف ظاهری دارد، امّا ما كه یك تكلیف نداریم.

یكی از مسائلی كه متأسفانه در فقه امروز مورد دقّت قرار نگرفته این ا‌ست كه در رساله‌های عملیه و امثال ذلك توجه فقط به یك بُعد مسائل فقهی و شرعی وجود دارد یعنی همین مسائل حلال و حرام ظاهری. و توجّه به مسائل و مراتب مافوق این جریان ظاهر، دیگر در رساله‌های عملیه موجود نیست. به عبارت دیگر گویا فقط رساله‌های عملیه متكفّل تكلیف عوام‌‌اند و از آن تكالیفی كه بر عهده خواصّ است در آنها چیزی وجود ندارد، البتّه طبیعی مطلب هم همین طور است.

ولی اگر ما دقّت كنیم می‌بینیم كه تكلیف بر حسب مراتب بصیرت و فعلیت مكلّفین فرق می‌كند؛ تكلیف عوام همین عمل به فرائض و واجباتی است كه برای همه ما معلوم و معروف است و نهی از محرّماتی مانند تهمت، سرقت، شرب خمر و امثال ذلك. این تكلیف، تكلیف ظاهر است. اما برای افرادی كه بصیرت بیشتری دارند و مقصد بالایی را می‌طلبند تكلیف تفاوت دارد. برای رسیدن به آن افق بالاتر واجب است كه مكلّف به اموری بپردازد كه عوام در ارتباط با آنها كاهل و غیر ساعی هستند. همان طوری كه در روز قیامت خداوند متعال از تكالیف ظاهری ما حسابرسی می‌كند، همینطور نسبت به رشد فكری و عقلانی ما در انجام آن تكالیف بالاتر حسابرسی می‌كند. می‌گوید: من به تو این عقل را دادم، من به تو این ظرفیت را دادم، چرا از این مواهبی كه من به تو دادم، استفاده نكردی؟ و توان خود را فقط در محدوده اتیان به تكالیف عوام قرار دادی؟ لذا او هم دارای تكلیف خاص خودش می‌شود. و با این تكلیف ظاهر و با انجام این روزه عام انسان فقط از عهده این تكلیف ظاهر برمی‌آید نه بیشتر.

## بیان ویژگی های روزه خواص

یك روزه دیگر هم داریم می‌گویند روزه خواص؛ و آن روزه‌ای است كه علاوه بر رعایت این مسائل ظاهر، انسان به مسائل دقیق‌تر و باطنی هم بپردازد؛ زبان خود را از گفتار لَغو حفظ كند. گفتار لغو منظور سخن كذب نیست‌، كذب با لغو دوتاست. آن كذب كه اصلاً حرام است، گفتار لغو، گفتار بی‌خود و كلام غیر مفید است؛ آقا بنزین گران شده! خب گران شده كه شده، این می‌شود لغو، این كذب نیست ولی لغو است. شخص روزه دار نباید لغو بگوید، اگر بگوید به آن روزه‌اش صدمه می‌زند. آقا! من در خیابان می‌رفتم دیدم یك تصادفی شده یك جمعیتی ایستاده بودند و دعوا شده بود...!؛ حالا شده كه شده. آقا امروز من دیدم فرض بكنید كه فلان چیز اتّفاق افتاده، از این مسائلی كه در جلسات ما بدون نتیجه می‌گذرد و بعد از گذشت یك سال از عمر انسان، هیچ نتیجه‌ای را بر آن مترتّب نمی‌بیند. دروغ نیست، حرام هم نیست ولی لغو است و اثر ندارد، چون مسأله علمی نیست، مسأله معنوی نیست، یك كلام بی‌خودی است که انسان صرفا برای اتلاف وقت می‌گوید. خواص این كار را نمی‌كنند. گوش انسان از شنیدن مطالب لغو باید به دور باشد. مطالب حرام كه اصلاً جای خود دارد، آن مربوط به خواص نیست، آن مربوط به عوام است که باید رعایت كنند. مثل شنیدن موسیقی كه حرام است، شنیدن تهمت و جلوگیری نكردن از آن، اینها همگی مربوط به عوام است. ولی در روزه خاص گوش انسان در ماه رمضان و در حالت صوم، كلام لغو را هم نباید بشنود. قدم انسان در ماه مبارك رمضان و در هنگام صوم نباید حركتی بكند كه آن حركت، حركت لغوی باشد. حركتهای انسان باید حركت های منطقی باشد، نمی‌شود لغو باشد و به طور كلّی اعضاء و جوارحی كه خداوند متعال آنها را جهت انجام عمل مفید و عمل منطقی برای انسان قرار داده نباید عمل لغوی از آنها سر بزند؛ این مربوط به خواص است. اگر ما توانستیم در این یك ماه به این مرحله عمل كنیم نتائجش را هم می‌بینیم.

## بیان خصوصیات روزه خاص الخاص

امّا یك مرتبه‌ای هست بالاتر از این روزه خاص، كه بالاجمال میگویم ولیكن باید از خداوند توفیق رسیدن به آن مراحل را طلب کرد. آن مرحله‌ بالاتر را می‌گویند: روزه خاصّ‌الخاصّ. و آن روزه‌ای است كه حتّی خطور لغوی هم برای انسان پیدا نشود، نه اینكه پیدا بشود و بعد انسان آن را دفع كند. حضرت عیسی علی نَبینا و آله و علَیه‌السَّلام داشتند با حواریون از كنار یك خرابه‌ای می‌گذشتند، بعلت دودی که در آن خرابه بود آنها سرفه كردند، و دود استنشاق آنها را مختل كرده بود. حضرت عیسی به آنها فرمود: ای حواریون! حضرت موسی در شریعتش دستور داد از زنا پرهیز كنید، امّا من به شما می‌گویم خیال زنا را هم در ذهن نیاورید ؛ چون خیال این عمل زشت مانند نیران و آتشی است كه در كناری برافروخته بشود، گرچه سوزندگی او موجب نمی‌شود كه انسان آتش بگیرد ولی دودی كه از او متصاعد است انسان را متأثّر می‌كند.

## تاثیر سوء خیالات و تصورات ذهنی خلاف بر نفس و قلب سالک

یك سالك آن لطافتی را كه به واسطه عبادت به دست آورده است با یك خیال گناه از دست خواهد داد، آن نورانیتی را كه در خود می‌بیند، آن نورانیت را اگر می‌خواهد حفظ كند باید خطور گناه هم نداشته باشد الذين اتقوا إذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا ( اعراف آیه ٢٠) «وقتی كه شیطان می‌خواهد بیاید متذكّر می‌شوند.» این شیطان می‌آید و دائما اطراف انسان دور می‌زند تا از یك راهی وارد بشود. مثل وقتی كه اسپرم می‌خواهد وارد اوول بشود بعضی از مقاطع پوستی این اوول - كه مؤنّث هست - جدارش نازك‌تر از بعضی از قسمت‌های دیگر است، این اسپرم‌ها می‌آیند و هی خودشان را به این پوسته می‌زنند، هی نوك می‌زنند تا اینكه یك منفذی پیدا بكنند برای ورود در اوول تا اینكه انعقاد نطفه بشود. دائما دور این تخمك می‌گردند تا اینكه آن راه و آن خصوصیت را پیدا بكنند. عجیب است واقعاً خداوند متعال چه شعوری داده است به اینها ، آن وقت ما مسائل را جدی نمیگیریم ، آنها می‌گردند و می‌گردند تا اینکه یكی از آنها موفّق می‌شود به همان مقطع نازكتر برسد و از آنجا داخل ‌شود. به محض اینكه وارد شد فعل و انفعالات دیگر انجام می‌شود و در آنجا تركیب حاصل می‌شود و مسائل دیگر پیش می‌آید.

این شیطان وقتی كه می‌آید دور انسان مثل این اسپرم‌هایی كه دور آن اوول می‌گردند، همین طوری اطراف انسان دور می‌زند، تا ببیند از كجا می‌تواند وارد این نفس بشود، همین جوری دور می‌زند. یك جایی را كه پیدا بكند می‌آید و زهرش را در آنجا می‌ریزد و وارد می‌شود. لذا تا می‌خواهد یك فكر خلافی در ذهن بیاید فوراً انسان باید آن فكر را دفع كند. اگر بخواهد بیاید و آن فكر بماند دخل انسان درآمده است. حالا اگر این بیاید و مستقر بشود و این نطفه منعقد بشود، و بعد انسان بخواهد آن را دفعش كند، مگر حالا از بین می‌رود.

لذا مرحوم آقای حدّاد می‌فرمودند كه: "مردم چه می‌گویند شیطان [وسوسه میکند و فریب می‌دهد] و این حرفها؟ انسان باید با یك خنجر در كنار قلبش بایستد و تا شیطان می‌آید بزند بر همان سرش و اصلاً نگذارد كه به قلب انسان نزدیک شود." این مربوط به این است كه نفس انسان به یك كیفیت خاصی است، این نفس، نفس هیولانی است یعنی نفسی است كه قابل شكل گیری و قابل قالب گیری است. این تخیل می‌آید و نفس را قالب می‌دهد، شكل می‌دهد، و نباید بگذارید نفس شكل پیدا كند. حال همین تخیل اگر تخیل صحیح و منطقی باشد این یك عمل لغو نیست. و این تخیل می‌آید و نفس را شكل می‌دهد ؛ چون آن چیزی كه موجب می‌شود كه نفس برگردد عمل ظاهری نیست كه یك شخص انجام می‌دهد،‌ عمل خارجی در نفس تأثیر نمی‌گذارد. آن نیتی كه در وراء این عمل خارجی قرار گرفته است نفس را برمی‌گرداند. همان طور كه نیت در خارج نمی‌تواند تأثیر بگذارد، -البتّه به یك لحاظ، فعل خارجی است که تاثیر میگذارد.- و شما هر چه نیت غذا خوردن بكنید، سیر نمی‌شوید، باید غذا میل كنید. همین طور آن چه كه موجب تغییر و تبدّل نفس است نیت و تخیلاتی است كه انسان انجام می‌دهد. اگر آن نیت و تخیل، تخیل صحیح باشد نفس را به تجرّد می‌برد و اگر آن تخیل و نحوه تصاویر ذهنی تصاویر غلط باشد نفس را به قهقراء و كثرت می‌برد.

روی این حساب روزه خاصّ‌الخاص آن روزه‌ای است كه اصلاً به طور كلّی تخیل خلاف در آن وجود ندارد بلكه آنچه كه در ذهن شخص نقش می‌بندد رضای خداست. آنچه كه نقش می‌بندد منوِّر نفس است، آنچه كه نقش می‌بندد موجب انبساط نفس می‌شود. این روزه، روزه خاصّ‌الخاص است.

## بالاترین مرتبه روزه، روزه اولیاء الهی میباشد

یك روزه دیگر هم داریم كه این روزه مخصوص اولیاء است. آن دیگر مربوط به اضطراب سرّ و عدم اضطراب سرّ است كه آن دیگر حالا بماند برای بعد.

## همت سالک الهی باید بلند باشد و به کم قناعت نکند

امّا این سه مرحله روزه‌ای كه عرض شد اینها بر اساس المَرءُ یطیر بِهِمَّته[[1]](#footnote-1) می باشد، انسان است و همّت او، انسان است و عِرق او، ‌انسان است و حمیت او، ‌هر كسی دارای یك حمیت و همتی است. باید از خداوند متعال بخواهد كه او را موّفق كند به این روزه‌ها، روزه‌های خاصّ‌الخاص، و توفیق هم از اوست دیگر، بالاترش هم بود باز عیب ندارد، ما راضی هستیم!، اگر بالاترش را هم به ما دادند ما حرفی نداریم!، خیلی توقّع بالا داریم. آخر نگاه می‌كنیم می‌بینیم آنجا اوضاع به یك نحو دیگر است، آنجا به ضعف ما نگاه نمی‌كنند، آنجا به بزرگواری و رحمت خودشان نگاه می‌كنند، حالا كه می‌بینیم صاحبخانه این طور است چرا ما بُخل كنیم؟ چرا ما كم بگذاریم؟ بگوییم: خدایا! آن چهارمی‌اش را به ما بده. از خدا كه بعید نیست.

یك روایتی داریم خیلی عجیب؛ خداوند متعال می‌فرماید: أَنا عِنْدَ ظنّ عَبْدی المؤمن بی [[2]](#footnote-2)«من ارتباطم با بنده‌ام به همان نحو است كه بنده با من ارتباط دارد.» اگر بنده‌ام حُسن ظنّ به من دارد، من هم با بنده‌ام حسن ظن دارم، حسن رفتار و حسن سلوك دارم. اگر بنده من، مرا عاجز می‌داند من هم اصلاً به او اعتنا نمی‌كنم. اگر بنده‌ من، مرا همه چیز می‌داند، مُفیض می‌داند، صاحب رحمت و مغفرت و اینها می‌داند، من هم همین گونه با او سلوك می‌كنم. حالا كه مسئله این طور است چرا ما كم بگذاریم؟ می‌گوییم: خدایا! آن چهارمی‌اش را به ما بده. او كه می‌دهد، انشااللَه.

مرحوم آقا می‌فرمودند: مگر این چیزهایی كه ما بدست آوردیم از خانه‌ خاله‌مان بدست آوردیم، او داده دیگر ـ حالا نسبت به خودشان كه نمی‌فرمودند منظورشان مقامات بزرگان بود ـ او داده، حالا كه او می‌دهد ما چرا كم بگذاریم؟ صاحبخانه از عطا و لطفش كم نمی‌آورد. اگر تمام دنیا بشوند عارف درجه اول.... . یك مثالی برایتان می‌زنم: اگر همه دنیا بشوند مثل پیغمبر، آیا از خدا كم می‌شود؟ حالا اگر همه دنیا بشوند كافر، باز از خدا چیزی كم نمی‌شود. به اندازه یك سر سوزن از آن خزانه خدا كم نمی‌شود. چرا؟ چون این را دیگر ما طلبه‌ها می‌دانیم، حقیقه‌الوجود اختصاص به ذات او دارد. خرج بكند در این كیسه‌اش ریخته، خرج نكند از این كیسه‌اش در نیاورده،‌ هر دو یكی است. شما پول از این كیسه‌تان در بیاورید در آن كیسه‌تان و در آن جیبتان بریزید، چیزی به شما اضافه شده؟ ابداً. پس حالا كه این طور هست ما آن مرتبه بالا را می‌خواهیم.

## علامه طهرانی برای شاگردان خود به کمتر از مقام سلمان فارسی رضایت نمیدادند

خدا رحمت كند مرحوم آقا ـ رضوان اللَه علیه ـ ایشان یك عبارتی داشتند كه من این عبارت را در سایر كلمات بزرگان ندیدم. من یك روز به مرحوم آقا عرض كردم: شما در این مطالبی كه نسبت به شاگردان و دوستان و رفقا دارید، آخر بعضی‌ها صدایشان درمی‌آید، حالا مثلاً یك قدری تخفیف بدهید، البتّه به این بیان نگفتم ولی با این عبارت، حالا یك قدری تخفیف بدهید، حالا یك قدری مثلا ملایم‌تر، حالا فرض كنید كه راه یك ساعته را شش ساعته، ده ساعته به این كیفیت باشد.... ایشان خوابیده بودند و می‌خواستند استراحت كنند، مریض هم بودند، بلند شدند نشستند، گفتند: "آسید محمّد محسن! من به كمتر از سلمان فارسی برای رفقایم رضایت نمی‌دهم." ببینید! حالا سلمان فارسی كه بود؟ اوّل صحابی پیغمبر بود، اوّل صحابی پیغمبر بعد از امیرالمؤمنین سلمان فارسی بود. حالا این مرد خودش كجاست كه می‌گوید من به كمتر از سلمان فارسی برای رفقایم رضایت نمی‌دهم؟ ما هم دیگر هیچ نگفتیم، دیدیم فایده ندارد. این آقا این گونه است دیگر، كاریش نمی‌شود كرد. خب ببینید این مظهر رحمت حقّ است، مظهر لطف حقّ است، مظهر عطاء حقّ است. یك همچنین شخصی چه برداشتی دارد؟ چه مسائلی در نیتش می‌گذرد؟

منظور این است وقتی قرار بر این باشد، ما باید بالاتر را از خدا بخواهیم. مطالبی بود كه سابق خدمت رفقا عرض می‌شد و بزرگان هم بر این دستور می‌دادند.

## اهمیت خواندن نماز تراویح در شبهای ماه مبارک رمضان

در خصوص ماه رمضان، یكی از مسائلی كه می‌فرمودند،: نمازهای تراویح است كه هزار ركعت نماز است در صورت امكان و موقعیت مناسبت ، خواندنش خیلی مؤكّد است و آن طوری كه می‌فرمودند به این كیفیت است از شب اوّل ماه مبارك رمضان ـ در صورت ثبوت رؤیت ـ تا شب بیستم، هشت ركعت نماز بعد از نافله مغرب و دوازده رکعت بعد از نافله عشاء است ( ٤٠٠= ٢٠ \*٢٠)، از شب بیست و یکم تا شب سیم، هشت رکعت بعد از نماز مغرب بجای خود ولی بعد از نماز عشاء بیست و دو ركعت می‌شود (١٠\*٣٠=٣٠٠) كه مجموعاً می‌شود هفتصد ركعت؛ و در شب نوزدهم و بیست و یكم و بیست و سوّم هم هر كدام صد ركعت اضافه می‌شود كه جمع کل سی شب می‌شود هزار ركعت. این نماز، نمازی است كه زمان پیغمبر بوده و خود رسول اللَه صلی ‌اللَه ‌علیه ‌و ‌آله ‌و سلم می‌آمدند در مسجد مدینه، و این نماز تراویح را بعد از نماز مغرب در مسجد می‌خواندند و به منزل برمی‌گشتند و سپس دوباره به مسجد آمده و پس از نماز عشاء ادامه نماز تراویح را در همان مسجد می‌خواندند و بعد تشریف می‌بردند به منزلشان. ائمّه علیهم‌السّلام هم این طور كه در کتب داریم آنها می‌آمدند و نماز را در مسجد مدینه می‌خواندند،. البتّه ائمّه‌ای كه در مدینه سكونت داشتند.

نماز، نماز مستحّبی است، و الآن اهل تسنّن آن را به جماعت می‌خوانند و یكی از بدعتهایی كه عمر قرار داد، همین بود كه نماز تراویح را آمد به جماعت خواند و امیرالمؤمنین علیه‌السّلام وقتی كه به خلافت رسیدند این بدعت را برداشتند امّا مردم قبول نكردند و حضرت هم فرمودند: هر طوری كه خودتان می‌دانید.

## قرائت و تامل در مضامین دعای افتتاح و دعای ابو حمزه ثمالی

مطلب دیگر قرائت دعای افتتاح هست در شبهای ماه مبارك رمضان و یا مقداری از دعای ابوحمزه ثمالی، البتّه همه دعای ابوحمزه ثمالی لازم نیست بلكه یك مقداری از آن، چون صِرف خواندن دعا هم خیلی مطلوب نیست، تأمّل در مضامین بسیار اهمیت دارد و بهتر است كه انسان ادعیه را با تأمّل و تفکر بخواند.

## لزوم ختم حداقل یک دوره قرائت قران در ماه مبارک

مطلب دیگر كه بسیار مهمّ است قرائت یك دوره حداقل قرآن كریم است و اهداء ثوابش به پیغمبر اكرم و این در طول روز بهتر است خوانده بشود، یعنی در هنگامی كه انسان روزه‌دار است و البته در عصر مناسبتش بیشتر از سایر موارد هست، و این غیر از آن قرآن بین‌الطّلوعین است كه به جای خودش محفوظ است، و این قرائت که در حال روزه وارد شده است، حداقل یك دور ختم قرآن است. و از ادعیه ماه مبارك رمضان هم به آن مقداری كه میسور هست، خیلی مناسب است که خوانده شود. خلاصه این ماه ماهی است كه خداوند سفره‌اش را پهن كرده است .

گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحب خانه چیست؟

## شقی کسی است که ماه رمضان بر او بگذرد و از رحمت خدا محروم باشد

پیغمبر اكرم راجع به خصوصیت این ماه می‌فرمایند:فإنّ الشّقَّی مَنْ حَرُمَ رِضوانَ اللَه فی هَذا الشّهر العظیم[[3]](#footnote-3) «شقی به آن كسی گفته می‌شود كه ماه رمضان بر او بگذرد و او از رضوان و رحمت خدا محروم باشد.» یعنی ببینید مسأله چقدر مهم است كه نیاز نیست انسان تلاش كند، نیازی به تلاش در این ماه نیست، همین قدر كه ماه رمضان بر او بگذرد کفایت می‌کند و این فرد چكار باید انجام بدهد كه نتواند مشمول رحمت الهی شود.

یك روایتی است از امام سجّاد علیه‌السّلام، که در مكّه بودند و شخصی می‌آید خدمت حضرت و عرض می‌كند: الآن دیدم كه حسن بصری نشسته بود و عدّه‌ای به دور او بودند و او می‌گفت: تعجّب نیست از كسی كه به دوزخ و به جهنّم می‌رود، تعجّب از كسی است كه در این دنیا جوری عملش را انجام می‌دهد كه در آخرت مستحقّ بهشت می‌شود. امام سجّاد علیه‌السّلام می‌فرمایند: من این طور نمی‌گویم، من خلاف این را می‌گویم، من می‌گویم: تعجّب نیست از كسی كه به بهشت می‌رود، تعجّب از كسی است كه با این رحمت واسعه پروردگار، خودش را مستحقّ عذاب می‌كند. باید از این تعجّب كرد. كلام امام است دیگر و خلاصه در این ماه از هر جهت و از هر قِسم نعمت برای انسان مهیاست. خلاصه باید بگیریم و برای طول سالمان خرج كنیم. این ماه، ماهی است كه، به قول این تجّار که بعضی وقتها که یك مورد خاصی پیدا می‌شود و به اصطلاح معامله و تجارت خیلی خوب هست می‌گویند: "موقعیت را نباید از دست داد." این فرصت را نباید از دست داد تا اینكه بعداً هم اگر كوتاهی كردیم چیزی داشته باشیم.

ماه رمضان، ماه تجارت است. اگر انسان در این ماه بگیرد، اگر حسابی بگیرد، می‌تواند در بقیه ایام خرج كند، گرچه نمی‌گذارد آنچه كه گرفته آرام باشد، همچنین خیال نكنید راحت حالا دیگر ماه رمضان تمام بشود ...، اگر در ماه رمضان فرض كنیم كه فیض و توفیق خداوند نصیب انسان بشود انشااللَه این توفیق ادامه پیدا خواهد كرد، ولی در هر صورت موقع، موقع بسیار مغتنمی است و آنقدر این مسأله مهم است كه ما می‌بینیم كه مثل مرحوم آقای حدّاد ـ رضوان اللَه علیه ـ با آن درجات و با آن مسائل چه قضایایی در این ماه برای ایشان منكشف می‌شد و به چه مطالبی می‌رسیدند كه بعد از ماه مبارک بعنوان شكرانه این پذیرایی و این ضیافت الهی كه خداوند بندگانش را دعوت كرده ، زیارت دوره انجام می‌دادند؛ از نجف شروع می‌كردند و بعد به زیارت سایر ائمه و امامزاده‌ها می‌رفتند. حال قضیه چه بوده؟ یعنی این عمل اولیاء یك مسأله عادی كه نیست که حالا تعارفاتی باشد، حالا برویم فرض كنید یك زیارت امیرالمؤمنین تشكر كنیم...؛ چه موهبتی نصیب آنها می‌شد در این ماه كه به عنوان تشكّر از حضرات معصومین به زیارت آنها از باب شكرگذاری می‌رفتند؟ همین قدر ما می‌دانیم كه خبری هست، اینطور نیست كه خودمان را بخواهیم گول بزنیم. گفت:

كس ندانست كه منزلگه معشوق کجاست \*\*\* اینقدر هست كه بانگ جرسی می‌آید[[4]](#footnote-4)

ما همین‌قدر می‌دانیم كه بانگ جرسی می‌آید، حالا دنبال این بانگ جرس را بگیریم، انشااللَه به منزل محبوب هم می‌رسیم. آنهایی كه رفتند و رسیدند آنها گفتند كه آقا هست، شما خاطرتان جمع باشد ، از یقین هم بالاتر است. منتهی ما آنقدر دیگر در غَفَلات و مسائل دیگر گرفتار هستیم که اینها را به شوخی و مزاح حمل می‌كنیم ولی نه! مسلّم است که این مسائل هست.

انشااللَه از خداوند که توفیق تشرّف به ضیافت اللَه در این ماه را به ما داده می‌خواهیم كه سفره‌مان را هر چه پربارتر و دستانمان را از فیوضات خودش هر چه پُرتر و تمام افعال ما و كردار ما و نفوس ما و سرّ و سویدای ما را همان قرار دهد كه برای بزرگان و اولیاء خود آنچنان قرار داده است.

اللَهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد

1. مناقب ج ١، ص ٧٧١: قال رسول اللَه صلی اللَه علیه واله: المرء یطیر بهمته كمایطیر الطیر بجناحیه. [↑](#footnote-ref-1)
2. کافى ، ج ٢، ص ٢٧. [↑](#footnote-ref-2)
3. اربعین شیخ بهایی حدیث ٩. [↑](#footnote-ref-3)
4. دیوان حافظ ، غزل ٢٢٩ [↑](#footnote-ref-4)